



روایتی از فداکاری پزشکان و پرستارانی که در دل آتش جنگ کنار بیماران ماندند

قهرمانانی که در دل جنگ، نور چشم ما بودند

کروه گزارش - یوسف حیدری / روزهایی که صدای انفجار، وحشت را به جان مردم انداخته بود و سایه ترس بی وقفه بر دیوار شهر می خزید، آنها ایستادند. بسیاری از خانواده‌ها در پی یافتن پناهگاه امنی برای عزیزان شان بودند اما در دل این بحران، کسانی بودند که نه تنها شهر را ترک نکردند، بلکه نقطه امن خود را به دل آتش آوردند. در هیاهوی جنگ، آنها بی سلاح‌ترین مدافعان بودند؛ مدافعان زندگی، مدافعان روشنایی. جراح چشم بیمارستان فارابی، که خانواده‌اش را به بیمارستان آورد تا بدون نگرانی کنار بیماران بماند و یا پرستار بیمارستان فیروزآبادی که با وجود آسیب‌دیدن خانه‌اش در اثر موج انفجار، بی درنگ به بیمارستان برگشت تا به مجروحان خدمت کند،



خودروهای امدادی مسدود کرده بود. ماشین را رها کردم و به سرعت به طرف خانه دودیم. همه از خانه‌های‌شان بیرون آمده بودند و محل اصابت موشک‌ها کاملاً ویران شده بود. من و همسرم باهم به خانه رسیدیم. همه شیشه‌های خانه شکسته بود. وقتی از سلامت بچه‌ها مطمئن شدم به سرعت به بیمارستان برگشتم. نمی‌توانستم همکارانم را تنها بگذارم. می‌دانستم زخمی‌های زیادی را به بیمارستان می‌آورند و باید به کمک می‌رفتم. وقتی رسیدم بلافاصله تیم‌های پرستاری را هماهنگ کردم. تعداد زیادی زخمی که بسیاری از آنها مردم عادی بودند به بیمارستان ما و بیمارستان ۷ تیر منتقل شدند. برخی از آنها ریه‌گدازنی بودند که موج انفجار آنها را زخمی کرده بود. در آن لحظات اصلاً به بچه‌های خود فکر نمی‌کردم. باور کنید برخی از پرستاران بیمارستان که سال‌ها قبل بازنشسته شده بودند یا سراغ کار دیگری رفته بودند، خودشان را به بیمارستان رساندند تا کمک کنند. همه پای کار بودند تا مجروحان را به سرعت درمان کنیم. در میان همکاران من کسانی بودند که خانواده‌های‌شان را به شهرستان فرستاده بودند اما خودشان ماندند تا در روزهای جنگ به بیماران خدمت کنند. روزهای جنگ همه ما جلوه‌های ایثار و فداکاری کرد درمان را در مراکز درمانی دیدیم.

کادر درمان، این‌بار هم در دل بحران، معنای واقعی «ماندن» را نوشتند؛ نه با کلمات، که با عمل. و شاید فردا، وقتی همه چیز آرام شد، این شهر هنوز نام آنهایی را زمزمه کند که در تپش‌های نفسگیر جنگ، از جان مایه گذاشتند... برای زندگی.

دیگر نگران دختر و پسرش بود که در خانه آسیب دیده ناشی از موج انفجار تنها بودند. مادر بود و با شنیدن صدای انفجار حملات موشکی سراسیمه به طرف خانه دودید اما با وجود شکسته شدن شیشه‌ها وقتی از سلامت دختر و پسرش اطمینان پیدا کرد به سرعت به بیمارستان برگشت تا به مجروحان خدمت کند. با وجود اصرار پزشکان و پرستاران تصمیم گرفت در بیمارستان بماند و به زخمی‌ها رسیدگی کند. او که بیش از ۱۸ سال سابقه پرستاری دارد، آخرین روز جنگ و حمله دشمن به شهر را در سخت‌ترین روز کاری‌اش می‌داند و می‌گوید: «دوم تیرماه مثل بقیه روزهای جنگ در آماده‌باش بودیم ولی شاید کسی تصور نمی‌کرد این بار هدف دشمن شهری و در نزدیکی بیمارستان باشد. خانه ما در خیابان دیلمان قرار دارد و آن روز دشمن صهیونیستی این خیابان را هدف قرار داد. صدای چند انفجار شدید ساختمان بیمارستان را لرزاند. من سوپروایزر بودم و به وضعیت بخش و پرونده بیماران رسیدگی می‌کردم. با صدای انفجار همه به حیاط دودیدیم. آسمان سیاه شده بود. وقتی از زان یکی از همکاران شنیدیم که خیابان دیلمان هدف قرار گرفته پاهایم سست شد. دختر ۱۲ ساله و پسر ۱۶ ساله در خانه تنها بودند. آنتن موبایل قطع شده بود. همان لحظه دخترم از تلفن خانه با بیمارستان تماس گرفت. گریه می‌کرد و می‌گفت خانه لرزید و شیشه‌ها شکست. وحشت زده بود و پشت گریه می‌کرد. خانه ما فاصله کمی با محل انفجار داشت. برای اینکه خیالم آسوده شود به سرعت به طرف خانه راه افتادم. ترافیک وحشتناکی بود و پلیس مسیر را برای عبور

بی‌قراری و کم‌خوابی کودک، برای هر پدری عامل اضطراب است. اما برای این پزشک که با بیماران اورژانسی و عمل‌های نجات‌بخش سرو کار دارد، این وضعیت تبدیل به یک معادله سخت می‌شود. می‌گوید: «سخت‌ترین لحظه زندگی‌ام بود. یک طرف بیماران بودند که امیدشان به دست من بود، طرف دیگر دختر بیمارم. ولی با خودم گفتم اگر چشمان دخترم آسیب می‌دید، چه‌قدر دعا می‌کردم یک پزشک در بیمارستان باشد. شبانه او را به مرکز طبی کودکان بردم و تا صبح کنار او بودم. دوباره به بیمارستان برگشتم چون چند بیمار در نوبت عمل بودند و باید زودتر به اتاق عمل می‌رفتم.»

دکتر محمدی با اشاره به همکاری گسترده دیگر پزشکان در آن روزها، تأکید می‌کند که تنها نبود. او می‌گوید: «تعداد زیادی از پزشکان، پرستاران و پرسنل در بیمارستان حضور فعال داشتند. ما مثل بیمارستان‌های خصوصی نبودیم که بتوانیم در بحران، فعالیت را تعطیل کنیم. ما پناهگاه امید کسانی بودیم که دین را حق خود می‌دانستند. در روزهایی که برخی از مطب‌ها تعطیل شده بودند و امکانات محدودتر از همیشه بود، تیم بیمارستان فارابی با تمام توان در میدان ماند تا از بینایی مردم این شهر دفاع کند.»

بازگشت به بیمارستان در میان بحران
آخرین روز جنگ برای الهه کلهر روز سخت و دشواری بود. از یک سو مسئولیت سوپروایزر بیمارستان را برعهده داشت و باید شرایط را برای پذیرش زخمی‌های ناشی از حمله دشمن به شهری آماده می‌کرد و از سوی

جراح چشم بیمارستان فارابی، که خانواده‌اش را به بیمارستان آورد تا بدون نگرانی کنار بیماران بماند و یا پرستار بیمارستان فیروزآبادی که با وجود آسیب‌دیدن خانه‌اش در اثر موج انفجار، بی‌درنگ به بیمارستان برگشت تا به مجروحان خدمت کند و چند نمونه از دریای ایثار و فداکاری کادر درمان است

جراحی میان ترکش و ترس
همان روزهای اولیه جنگ، دو بیمار که در اثر اصابت ترکش دچار جراحات شدید چشمی شده بودند، به بیمارستان فارابی منتقل شدند. یکی از آنها پسر جوان بود که ترکش، شبکه‌اش را پاره کرده بود؛ و دیگری زن میان‌سالی که چشم چپ او در اثر اصابت ترکش در آستانه نابینایی کامل بود. دکتر محمدی درباره جراحی این دو مجروح جنگی می‌گوید: «هر دو نفر در کمتر از چند ساعت جراحی شدند. اگر تأخیر می‌کردیم، بینایی‌شان برای همیشه از دست می‌رفت. خوشبختانه بخشی از بینایی‌شان برگشت. این لحظه‌ها برای من یادآور جنگ‌های واقعی در مناطق مرزی بود. انکار فارابی شده بود پست امدادی در دل میدان نبرد.»

دختر یک‌ساله دکتر در همان روزها دچار بیماری شد.

تب بالا،

به بیماران رسیدگی کند. دکتر محمدی درباره این تصمیم عجیب که در آن شرایط گرفت می‌گوید: «خانه ما تهران‌پارس است؛ یکی از مناطقی که روزهای جنگ، اطراف آن بارها هدف حملات دشمن قرار گرفت. وقتی در بیمارستان بودم و خبرهای مربوط به حملات دشمن به شرق تهران را می‌شنیدم، بیشتر نگران خانواده‌ام می‌شدم. از طرف دیگر نمی‌توانستم بیماران نیازمند جراحی را رها کنم. من و دکتر مهربانی تصمیم گرفتیم همسر و فرزندان‌مان را به بیمارستان بیاوریم تا بتوانیم بیشتر کنار بیماران باشیم. رئیس بیمارستان و رئیس اورژانس، با تجهیز چند اتاق در داخل بیمارستان، امکان ماندن شبانه‌روزی را برای ما و خانواده فراهم کردند. در کنار خانواده‌ام، قوت قلب داشتم. می‌دانستم آنها در امن‌ترین حالت ممکن هستند و می‌توانم بدون نگرانی بر کارم تمرکز کنم. زندگی در بیمارستان تجربه عجیب ولی جالبی بود.»

وقتی بیمارستان خانه می‌شود
در ۱۲ روز جنگ، بیمارستان را لحظه‌ای ترک نکرد. حتی وقتی خانواده‌اش از شهر خوی بارها از او خواستند برای حفظ جان خود و خانواده‌اش به آنجا بیایند، او تصمیم دیگری گرفت؛ تصمیمی که ریشه در تعهد، وجدان و حس مسئولیت اجتماعی داشت. دکتر محمدی که سال‌هاست در اورژانس چشم بیمارستان فارابی مشغول به کار است، به خوبی می‌داند که بیماران اورژانسی چشم، حتی چند ساعت تأخیر در درمان‌شان می‌تواند به نابینایی دائمی منجر شود. روزهایی که تهران هدف موشک و پهپاد دشمن قرار می‌گرفت، او و چند پزشک دیگر در بیمارستان ماندند تا جراحی چشم بیماران به تعویق نیفتد.

او از آن روزها این گونه می‌گوید: «سالانه بحران‌های زیادی را در بیمارستان تجربه می‌کنیم؛ از چهارشنبه‌سوری گرفته تا تصادفات جاده‌ای. اما این بار متفاوت بود. حمله‌های موشکی غیرمنتظره و گسترده بود. ولی باز هم سعی کردیم با برنامه‌ریزی و روحیه بالا، همه چیز را مدیریت کنیم. هر روز تعداد زیادی بیمار با آسیب‌های جدی چشمی به اورژانس مراجعه می‌کنند. تصور کنید اگر ما پزشکان بیمارستان را ترک می‌کردیم، چه کسی قرار بود آنها را جراحی کند؟ در آن شرایط، زمان برای این بیماران حکم مرگ با زندگی و بینایی‌شان را دارد.»

او با وجود نگرانی‌های فراوان برای خانواده‌اش، تصمیم گرفت همسر و دختر یک‌ساله‌اش «رز» را به بیمارستان بیاورد تا کنار خودش باشند و بتواند بدون دغدغه فکری،

روابط عمومی اداره کل منابع طبیعی و آبخیزداری استان زنجان عنوان کرد:

درختان؛ راهکاری سبز برای حفظ نبض زمین

امروزه کیفیت هوا تحت تأثیر آلاینده‌های کربن و ذرات معلق، تأثیرات منفی بسیاری بر سلامت موجودات زنده به ویژه انسان‌ها دارد، لذا در زندگی شهرنشینی نباید از کاشت درخت که نقش کلیدی در حفظ محیط زیست دارد، غافل بمانیم.

گزارش

پروانه سهرین بیلگو-زنجان

به گزارش روابط عمومی اداره کل منابع طبیعی و آبخیزداری استان زنجان؛ درختان ریسمان نجات‌بخش جهان ما هستند؛ از بین رفتن جنگل‌های روی زمین پیامدهای فاجعه باری برای جوامع انسانی و تمام موجودات زنده روی زمین به دنبال دارد، آثار عجیبی که حتی فکرش را نمی‌کنید.

براساس اعلام سازمان جهانی بهداشت، سالانه بیش از سه میلیون نفر در اثر تنفس در شهرهای آلوده دنیا جان خود را از دست می‌دهند و با نبود چاره‌اندیشی این میزان تا سال ۲۰۵۰ میلادی تا دو برابر افزایش می‌یابد، به‌طوری که در پنج سال اخیر، آلودگی هوا هشت درصد رشد داشته است که آمار افزایش مرگ‌های منتسب به آلودگی هوا، زنگ خطری برای مقابله با آلودگی هوا و علاوه بر آن با آسیب‌هایی است که منشأ آن نبود ریه‌های تنفسی زمین است.



در چنین شرایطی محققان دریافته‌اند، کاشت درختان بیشتر، سبب کاهش گازهای گلخانه‌ای و دی‌اکسید کربن می‌شوند، زیرا درختان در فرآیند فتوسنتز گاز دی‌اکسید کربن را از هوا دریافت کرده و آن را در ساختار خود استفاده می‌کنند، بنابراین درخت و درختکاری، راهکار مناسبی برای مبارزه با آلودگی‌های

زیست‌محیطی است و ایجاد جنگل‌های مصنوعی و فضای سبز در اطراف شهرهای بزرگ را می‌توان به تأسیس کارخانه‌های تولید اکسیژن تشبیه کرد.

درخت عنصر زنده‌ای است که به علت ۳۳ نوع خدمتی که به اکوسیستم ارائه می‌کند یکی از ارزشمندترین موجودات زنده جهان محسوب می‌شود و در حقیقت اگر درخت نبود در تولید اکسیژن، ترسپ کربن، حفاظت از تنوع زیستی، حفاظت از خاک و انباشت سفره‌های آب زیرزمینی با مشکلات جدی روبه‌رو می‌شدیم. برگ درخت قادر است با جذب گرد و غبار و سایر ذرات معلق در هوا و با انجام فرآیند فتوسنتز، دی اکسید کربن هوا را جذب و از آن اکسیژن بسازد و به‌طور طبیعی با جذب کربن اضافی هوا به پالایش هوا کمک کند؛ هر درخت قادر است سالانه به‌طور میانگین ۲ کیلوگرم اکسیژن تولید کند و میزان اکسیژن آزاد شده به وسیله درختان پهن‌برگ در هر هکتار بین ۲۵۰۰ تا ۳۰۰۰ کیلوگرم است که می‌تواند نیاز ۱۰ انسان را تأمین کند.

از سویی یک درخت در مدت یک‌سال با انجام عمل تبخیر و تعرق به اندازه ۲۵۰۰ تا ۴۰۰۰ لیتر آب را به‌صورت بخار از خود متصاعد می‌کند؛ همچنین در تعیین دمای

کاشت یک میلیارد درخت از تعهدات ایران در مقابل زمین

محققان و دولت‌ها، مدت‌ها است که از ایده کاشت درخت، به‌عنوان راه‌حلی برای تغییر آب‌وهوا حمایت می‌کنند و طرح کاشت یک میلیارد اصله درخت در کشور و استفاده از ظرفیت مشارکت‌های مردمی، تلاشی در همین راستا ارزیابی می‌شود. اجرای طرح کاشت یک میلیارد درخت طی چهار سال که توسط دولت با مشارکت مردم و دوستداران محیط زیست صورت می‌گیرد، اقدامی شجاعانه و با هدف حل مشکلات موجود در بیابان زایی و توسعه جنگل‌های دست کاشت کشور است. ایران، با ۳/۱۴ میلیون هکتار جنگل، که معادل ۷/۸ درصد از کل مساحت آن را دربرمی‌گیرد، کشوری کم جنگل است در حالی که فرسایش خاک آن سه برابر متوسط جهانی است و سالانه خسارتی بالغ بر ۲۸ میلیارد دلار از این ناحیه به کشور وارد می‌شود. براساس بررسی‌های اخیر مرکز پژوهشهای مجلس، کشور ما در ۵۰ سال گذشته با ۲۰ درصد افزایش مساحت، ۵۵ میلی‌متر کاهش بارندگی و ۲۷۰۰ میلی‌متر افزایش تبخیر رو به رو شده است.



مشارکت مردم برای اجرای طرح

کاشت یک میلیارد درخت ضروری است

معاون فنی اداره کل منابع طبیعی و آبخیزداری استان زنجان با بیان اینکه تعهد استان زنجان از طرح ملی کاشت یک میلیارد درخت، سه و نیم میلیون اصله نهال است، اظهار کرد؛ این طرح طی چهار سال باید به اتمام برسد در



۲۲ هزار دانش آموز انجام شد. سال گذشته ۱۰۰۰ گلدان به مدارسی که از سوی آموزش و پرورش معرفی شد اهدا شد و دانش آموزان تمام مراحل کاشت و نگهداری از نهال را آموزش دیدند و مراقبت از گلدان کاشته شده را به عهده گرفتند.

وی افزود؛ یکی از اقدام‌های خوبی که صورت گرفت احداث نهالستان دانش آموزی در نهالستان کوشکن است. استان زنجان تنها استانی است که در نهالستان خود قطعه‌ای برای آموزش و پرورش دارد. مختاری در پایان با بیان اینکه حفاظت از منابع طبیعی یک پیش‌است که باید از کودکی شکل پیدا کند، خاطرنشان کرد؛ در طرح‌های گوناگونی که طی سال تحصیلی اجرا می‌شود، دانش آموزان با مراحل کاشت نهال و نگهداری از آن آشنا می‌شوند. دیدن تلاش‌ها و زمانی که صرف رشد درخت می‌شود موجب می‌شود که دانش آموزان گام مهمی در نگه داری و حفاظت از منابع طبیعی بردارند.

کاشت درخت تنها راه برون رفت از معضلات زیست محیطی
منابع طبیعی نیاز به بازسازی و احیا دارد و کاشت درخت تنها راهکار برون‌رفت از معضلات زیست محیطی است. با توجه به وسعت طرح، نمی‌توان آن را مختص سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری دانست، زیرا کاشت یک میلیارد درخت همتی ملی است که برای کاهش معضلات زیست‌محیطی و تقویت منابع آب سفره‌های زیرزمینی انجام می‌شود که خوشبختانه تاکنون نهادها و سازمان‌های مختلف به خوبی پای کار آمده‌اند. با این حال امید می‌رود پس از این چهار سال نیز کاشت درخت به یک فرهنگ عمومی تبدیل شود و همه نهادها و دستگاه‌ها خود را موظف به نهال‌کاری و جنگل‌کاری بدانند.

حال حاضر تولید نهال‌های مورد نیاز استان برای این طرح تولید شدند و کاشت آنها از سال ۱۴۰۲ آغاز شده است. علی ایده لویی ادامه داد: کاشت درختان به تنهایی اهمیت ندارد و برای عمل به تعهدات بین‌المللی باید در نگهداشت آن جدیت کافی داشت تا نسل‌های آینده از آن بهره‌برداری کنند. وی با بیان اینکه خوشبختانه این طرح تا به امروز روند مطلوبی را طی کرده است؛ عنوان کرد: برای کاشت درخت تا حد امکان تمام استانداردها رعایت شده است و کاشت درخت با توجه به شرایط کم‌آبی و اقلیم صورت می‌گیرد و درخصوص نوع کاشت و محل کاشت مطالعات و اقدام‌های بسیاری انجام شده است. ایده لویی اضافه کرد: درخت داری مهم‌ترین بخش در طرح یک میلیارد درختکاری است و باید از نهال‌های کاشته شده مراقبت شود. مراقبت از منابع طبیعی یک وظیفه همگانی است.

آموزش به ۲۲ هزار دانش آموز انجام شده است

رئیس اداره آموزش و ترویج منابع طبیعی و آبخیزداری استان زنجان با تأکید بر اینکه فرهنگ‌سازی نقش بسیار مهمی در کاشت و حفظ درخت دارد، تصریح کرد: حضور و همراهی دانش آموزان در طرح مردمی کاشت یک میلیارد درخت مؤثر و قابل توجه است و در طرح‌ها و پوشش‌هایی که صورت می‌گیرد امر آموزش و فرهنگ‌سازی اتفاق می‌افتد که در حفاظت از منابع طبیعی تأثیر قابل توجهی خواهد داشت.

مریم مختاری با اشاره به الزام همکاری میان آموزش و پرورش و اداره منابع طبیعی، ادامه داد: آموزش به ۱۹۸ هزار دانش آموز استان از تعهدات منابع طبیعی است که خوشبختانه در سال گذشته آموزش غریب به